

گزارش همایش بن- باد گودسبرگ

طالبان چه کسانی هستند؟ (افغانستان و پاکستان در درگیری منطقه یی)

به روزهای جمعه - یک شنبه (26-28 ماه مارچ سال روان 2010) همایش بزرگ علمی- اکادمیکی زیر نام **طالبان چه کسانی هستند؟ (افغانستان و پاکستان در درگیری منطقه یی)** با اشتراک بیش از صد تن از دانشمندان، پژوهشگران و شیفتگان مسایل افغانستان از آلمان، سوئیس، انگلستان، اتریش، فرانسه، هند و افغانستان در سالون همایش های اکادمی رایلند شهرک باد گودسبرگ بن برگزار گردید.

همایش با هماهنگی اکادمی رایلند شهرک باد گودسبرگ بن، «جامعه کاری علمی افغانستان» و «مرکز تحقیقات توسعه دانشگاه بن» سازماندهی گردیده بود.

همایش با سخنرانی های خوشامد گویی یورگن کلوسمن- مدیر تدریسی اکادمی رایلند بن، پروفیسور داکتر کنراد شیتز- از «مرکز تحقیقات توسعه» دانشگاه بن و عضو هیات گردانندگان «انجمن کاری علمی افغانستان» و بانو پروفیسور داکتر اینگیبورگ بالد هوف- استاد «پژوهشکده مطالعات آسیا و افریقا»ی دانشگاه هومبولت برلین گشایش یافت و سه روز آزرگار با ایراد سخنرانی ها، راه افتادن پرسُمان ها و کنکاش ها و تبصره ها و گفتگوها در جنب نشست ها ادامه یافت.

با توجه به درگذشت نا به هنگام داکتر برنت گلاتسر- یکی از سازماندهندگان همایش - دانشمند سرشتاس افغانستان شناس آلمانی- کسی که در میان افغانستان شناسان آلمانی دادگرانه لقب معنا دار «ریش سپید» را داشت و به قول معروف «ز گهواره تا گور» زندگی اش را وقف مطالعه افغانستان

نموده بود و با همه اشتیاق نتوانست به همایش برسد، حضار برای یک دقیقه خاموش به پا برخاستند و یاد او را گرامی داشتند.

در جنب همایش، شام روز جمعه نشست سالیانه «جامعه کاری علمی افغانستان» با اشتراک گردانندگان و اعضای جامعه برگزار گردید که طی آن کارکردها و پویایی های جامعه در سال های گذشته ارزیابی گردیده و برنامه های آینده آن به بررسی گرفته شد.

در بخش فرهنگی همایش، شام روز جمعه فیلم مستندی از اوضاع روان افغانستان به پرده نمایش گذاشته شد.

همچنان شام روز شنبه، کنسرت هنرمندان افغانی و گروه کورس آلمانی به رهبری آقای بپرک وسا - موسیقی دان، آهنگساز و نوازنده نامدار کشور - رهبر ارکستر فلارمونی شهر کلن و همراهی آقای صابر شیر زوی - نوازنده و سراینده معروف کشور و آقایان داکتر رشید و ... برگزار گردید که با استقبال گرم شنوندگان مواجه رو به شد. به ویژه اجرای پارچه «بته فروش» از سوی گروه کورس آلمانی (از ساخته های آقای بپرک وسا در سال 1972 در دوره تحصیل شان در کنسرواتوریم مسکو) مورد توجه فراوان بینندگان قرار گرفت.

روی هم رفته، بر فضای همایش و سخنرانی ها، پرسمان ها، کنکاش ها و گفتگوهای جنب آن یک نوع روحیه نومیدی، دلگیری، سرخوردگی، کرحتی، خستگی و دلزدگی از مسایل افغانستان که ناشی از درماندگی جامعه جهانی و بی برنامگی و ناکامی و ناتوانی دولت افغانستان است، آشکارا به چشم می خورد. به ویژه اشتراک کنندگان بی توجهی دولتمردان آلمانی را به دیدگاه های دانشمندان این کشور به باد نکوهش و سرزنش تند گرفتند.

بیشتر سخنرانی ها و پرسمان ها آکنده از نکوهش و سرزنش سیاست های لغزش آمیز دولت بوش و ناتو در کل و دولت آلمان به خصوص، در قبال بحران

افغانستان و نیز دولت افغانستان و ابراز نگرانی از آینده این کشور و دامنه یابی چالش ها در آن و سرزیر شدن بحران به دیگر کشورها به ویژه پاکستان بود.

گروهی از سخنرانان و حضار، راه اندازی جرگه نامنهاد «صلح» را یک اقدام بیهوده و مسخره و بازی ابزاری و خاک پاشانیدن به چشمان مردم افغانستان و جامعه جهانی خوانده و کنفرانس اخیر لندن را ناکام ارزیابی نمودند. به باور آنان، این جرگه نه تنها هیچ دستاوردی نخواهد داشت، بل شگاف تنش های تباری، زبانی و ... درونی کشور را فراختر خواهد گردانید.

این گروه از دعوت جنایتکاران جنگی، به ویژه آنانی که هزاران موشک بر کابل ریخته بودند، و بار مسولیت کشته شدن هزاران تن از باشندگان بیگناه کابل را بر پشت می کشند، برای مشارکت در قدرت ابراز نگرانی شدید کردند. به گفته آنان، به جای این که این شیادان به تریبون های جنایتکاران جنگی فرستاده شوند، به مشارکت در قدرت دعوت می شوند.

به گفته این اشتراک کنندگان، چنان که در گذشته (در دوره های ببرک کارمل و داکتر نجیب) چنین جرگه های ابزاری به رغم هزینه های گزاف و هنگفت، هیچ نتیجه یی به همراه نداشته بودند، این بار نیز راهی به دهی نخواهد برد. از این رو، بهتر است به جای پرداختن به چنین بازی های بیهوده، برای مشکلات اصلی یی که افغانستان با آن رو به است، به برگزاری لویه جرگه دیگری برای بازنگری در قانون اساسی و یافتن راه حلی برای مشکلات نظام کنونی اندیشید.

گروهی هم از افزایش کشت و تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان و افزایش اعتیاد در افغانستان و منطقه و اروپا ابراز نگرانی شدید نموده و خطر مواد مخدر در افغانستان که کنون به یک فاجعه جهانی تبدیل شده است، بسیار نگران کننده خواندند و اقدامات انجام شده در سال های

فرصت های برباد رفته گذشته را در زمینه مبارزه با این پدیده شوم به هیچ رو بسنده و قناعت بخش ندانستند و خواستار اقدامات جدی جامعه جهانی در این راستا گردیدند. این گروه، دست داشتن شماری از گردانندگان دولت و اعضای خانواده های آنان را در بازرگانی مواد مخدر نگران کننده توصیف نمودند.

شماری هم از پا گرفتن بحران عدم مشروعیت نظام در افغانستان در پی تقلب گسترده در انتخابات که بازتاب جهانی داشت و آینده دموکراسی در افغانستان را با چالش رو به گردانیده است، ابراز نگرانی نموده، خطر تقلب گسترده در انتخابات پارلمانی پیش رو را برجسته ساخته، و به خاطر راه افتادن انحصارگرایی در قدرت را هشدار دادند.

روی هم رفته، اشتراک کنندگان در یک موضوع هم نظر بودند و آن این که جامعه جهانی به رغم درماندگی و بی چارگی، نباید یک باره از افغانستان برآمده و این کشور را به دست سرنوشت رها نماید. چون در این صورت، روی کار آمدن گروه های تند رو اسلامگرا و خطر راه افتادن درگیری های گسترده و تولید بی حد و حصر مواد مخدر و مبدل شدن افغانستان به لانه دهشت افگنان از طیف های مختلف بسیار زیاد خواهد گردید و به عنوان رهیافت تاخیر ناپذیر از **چرخش بنیادی در افغانستان** و زمینه سازی برای روی کار آمدن یک دولت فراگیر ملی کارا و پذیرا برای همه مردم افغانستان، جامعه جهانی و کشورهای منطقه سخن راندند.

حتا شماری هم مشخصا و نام گرفته ادامه کار رهبری ناتوان و ناکام کنونی افغانستان- تیم کرزی را در سال 2011 برای جامعه جهانی، انتخابات آینده امریکا و اتوریته شخص اوباما غیر قابل تحمل خواندند.

آن چه مربوط به طالبان می گردد، همه سخنرانان و اشتراک کنندگان در یک نکته دید مشترک داشتند که

طالبان یک پدیده پیچیده است و یک گروه خاص و مشخص نمی باشد. در واقع، طالبان رنگین کمانی از گروه های متعددی است که از باندهای وابسته به تندروان عرب گرفته تا طالبان پاکستانی و چینی و ازبیکستانی و اویغور و پاکستانی و افغانی را در بر می گیرد. در کل، نمایندگان 43 تبار گوناگون (بر پایه برخی دیگر از داده ها 55 تبار) در بافتار طالبان حضور دارند.

شمار احزاب تند رو اسلامگرای پاکستانی به دو صد می رسد که هر کدام مستقیم یا غیر مستقیم به پیمانان های متفاوت با طالبان همکار یا همناوا اند. در کل، می توان دو گونه طالبان را از هم تفکیک کرد:

- 1- طالبان چونان یک جنبش فکری تند رو سیاسی اسلامی گسترده که معمولاً در ادبیات سیاسی غرب با حرف- T (تی بزرگ) مشخص می شوند.
- 2- طالبان جنگجو و رزمنده (میلیتانت) که با حرف- t (تی کوچک) نمایش داده می شوند.

تصور کلی از طالبان، در ذهنیت باشندگان کشورهای باختری روی هم رفته منفی است و کشتار و انفجار و انتحار و خشونت و رفتارهای خشن با زنان و ... را تداعی می کند. تصور نادرستی که در مورد طالبان هست این است که شماری می پندارند همه پشتون ها یا طالب و یا هم هوادار طالبان اند. این درست است که بخش اعظم و اکثریت مطلق طالبان پشتون تبار اند، مگر همه پشتون ها طالب نیستند و شمار بسیاری از پشتون ها نه تنها طالب و یا هوادار طالبان نه که با آنان به شدت مخالف هم هستند زیرا بیشترین زیان را طالبان همو به پشتون ها رسانده اند.

امروزه در غرب همه آنانی را که به گونه یی در برابر نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا می جنگند، از جمع طالبان به شمار می آورند. حتا احزاب و گروه هایی را که در گذشته در زمان حضور نیروهای ارتش سرخ شوروی پیشین مورد حمایت

امریکا بودند - مانند حزب اسلامی و گروه جلال الدین حقانی و...

در یک سخن، سیمای طالبان بیشتر همچون شبخی اسرار آمیز و نامرئی و هیولایی پرداز می شود تا یک موجود واقعی.

شمار نیروی های رزمنده طالبان را در افغانستان بین 25000-36000 تخمین می زنند. ساختار تشکیلاتی طالبان بسیار پیچیده است. مگر، می توان گمان برد که مانند هر سازمانی دارای دو ساختار افقی و عمودی هستند. آن چه مربوط به ساختار افقی می گردد، روی هم رفته، طالبان در پاکستان چهار شورا دارند: **شورای کوئته** (که در واقع شورای رهبری به شمار می رود)، شورای پیشاور، شورای گلہ جنگل بلوچستان در گستره مرزی نزدیک به نیمروز و شورای میرانشاه (میرامشاه). در پهلوی این، سر هم در پاکستان ده کمیته منطقه یی دارند که در واقع نقش وزارت خانه ها را بازی می نمایند.

در ساختار عمودی طالبان در درون افغانستان، آن ها در هر ولایت یک شورای نظامی دارند که نقش اداره ولایت را بازی می نماید. روشن است در ولسوالی ها (فرمانداری ها) و علاقه داری ها (بخشداری ها) و روستاهای زیر کنترل شان به همین منوال شوراها و کمیته هایی دارند.

آن چه مربوط می گردد به زمینه های پدیدآیی طالبان و پشتوانه های باوری آنان، فشرده دیدگاه های ارائه شده در همایش را چنین می توان سرهم بندی کرد:

طالبان، در واقع، در خلی قدرت به میان آمده اندیشه یی و قدرت در گستره پشتون سر بر آورده اند. در گذشته، در گستره مرزی پشتون، خان ها همه کاره بودند و روحانیون و ملاها با توجه به وابستگی مالی از خان ها و نیز این که خان ها مورد حمایت دولت بودند، به درجه دوم از قدرت برخوردار بودند. مگر، در دوره جنرال ضیاء مکتب دیوبند به سوی جهادیسلم و اسلام سیاسی لغزید. دالرهای باد آورده نفتی اعراب، و همراه با آن

اندیشه های وهابی سیل پول و سلاح از سوی سی آی ای و آی اس آی و سپاه عریض و طویلی از ملاهای وهابی از کشورهای عربی به گستره پشتون سرازیر گردید و این کار ساختار سنتی قدرت در میان قبایل را دگرگون گردانید و در پهلوی ملاها، پدیده تازه یی به نام فرمانده مجاهدان (کنون فرمانده بومی طالبان) هم ظهور نمود که در برخی از موارد حتی ملاها را در جایگاه دوم راند.

در واقع، این امریکا و ناتو بودند که ساختار سنتی پیشین را برهم زدند. پرستیژ ملاها و فرماندهان نظامی مجاهدان نسبت به خان ها بالا تر رفت و ساختار قدرت دگرگون گردید. در هشت سال گذشته، تلاش بسیاری صورت گرفت تا این مناسبات را وارونه بسازند، مگر بیهوده و به نظر هم نمی رسد که دیگر بتوانند موفق گردند. زیرا کسانی که به جایگاه رهبران نو رسیده اند، در نظر ندارند به آسانی با قدرت پدرود گویند.

طالبان درست در این خلی قدرت به جای مجاهدان ظهور نمودند. در واقع، همان ارواح خبیثه یی که در گذشته در گستره مرزی پشتون در کالبد «مجاهدان» به زور دالره های سعودی و امریکایی و موعظه ها و تبلیغات زهر آگین ملاهای وهابی و پاکستانی دمیده شده بود، کنون در کالبد طالبان حلول نموده است! در واقع، طالبان همان نقشی را که مجاهدان در نوار مرزی پشتون نشین در دوره اشغال شوروی ها در برابر آن ها بازی می نمودند، امروز در برابر امریکاییان بازی می نمایند.

در میان طالبان و در کل پشتون ها در گستره مرزی باور سرسختی هست؛ مبنی بر این که امریکایی ها و انگریزی ها و یهودان آمده اند تا به کمک هندوان و دولت دست نشانده و وابسته شان در کابل پشتون ها و در کل اسلام را نابود کنند. چنان چه از این رو، امیر المومنین - ملا عمر در برابر جنگ افروزان اعلام جهاد نموده است و این رسالت هر پشتون و طالبان کرام است تا با کافران بجنگند و پشتون ها و کل جهان اسلام را از سلطه کافران رهایی بخشند. این است که اندیشه

های ضد غرب و ضد امپریالیستی در گستره پشتون نشین پا گرفته است. و از همین رو، طالبان در تبلیغات خود بیش از پیش از «اشغال» و «جهاد» و پیکار با یهود و نصارا و هندو و ترسا سخن می زنند.

حضور 120 هزار سپاهی پاکستانی در مرزها و جنگ بی امانی که ارتش پاکستان در برابر طالبان پیش می برند، و افزون بر آن بمباران های پی در پی هواپیماهای امریکایی به ویژه هواپیماهای بی سرنشین آن کشور در گستره قبایل در پاکستان دستاویز خوبی به دست طالبان می دهد تا اندیشه «جهاد» را نه تنها در میان پشتون های باشنده دو سوی خط دیورند که شمار آن ها را به سی میلیون نفر تخمین می زنند، بل نیز همه مسلمانان پاکستان و منطقه تبلیغ نمایند.

برخی از سخنرانان و حضار افزایش فشار بر دولت و به ویژه نظامیان و سازمان استخبارات این کشور را یکی از راه های کاهش تنش در مرزهای افغانستان و پاکستان می انگاشتند. مگر، برعکس، برخی دیگر این کار ناسودمند دانسته و برآن بودند که موازی با افزایش فشار بر ساختارهای پاکستانی، اوضاع، چنانی که تجربه نشان داده است، تیره تر و پیچیده تر خواهد شد. زیرا، پاکستانی ها ناگزیرند برای خنثی ساختن فشارهای امریکایی ها بر خود، آن ها را بیشتر در نبردها درگیر بسازند و به برانگیختن مردم در برابر امریکاییان بکوشند.

آن چه بسیار شایان توجه است، این است که در استان مرزی شمال باختری پاکستان شمار فراوانی از نیروهای غیر مذهبی و سکولار هوادار طالبان اند و حتا بسیاری از دولتمردان به طالبان همدری می نمایند. خطر لغزش این روحیه در میان سکولارهای پشتون افغانستان بسیار است.

گروه های بنیاد گرا و اخوانی پاکستان مانند جماعت اسلامی به رهبری قاضی حسین احمد هر چند هم بیشتر در کشمیر فعال است، با آن هم نیروی

بزرگی در استان مرزی شمال باختری دارد و کماکان پدر معنوی احزابی چون حزب اسلامی شمرده می شود.

احزاب و گروه های رادیکال اسلامگرای پاکستان چون جمعیت العلمای اسلامی به رهبری مولوی فضل الرحمان و مولوی سمیع الحق (که ملا عمر در مدرسه او درس خوانده است) و ده ها گروه دیگر با گرایش های وهابی بیشتر در گستره قبایل، وزیرستان و در شمال بلوچستان پویا هستند. این گروه مورد حمایت اعراب اند و هزاران تفنگدار در اختیار دارند.

آن چه بسیار وحشتناک است، این است که امروز اسلام ملیتانت (رزمنده و جنگجو) طراز طالبانی با بازرگانی مواد مخدر در هم آمیخته است و این گونه، از پشتوانه مالی نیرومندی برخوردار است و آهسته، آهسته در سراسر جهان اسلام همه جا گستر و پهن تر می شود. امروز خطر طالبانیزاسیون به یک خطر جهانی مبدل گردیده است و روشن است لبه تیز تیغ آن به سوی تمدن غرب نشانه گرفته شده است.

برخی از سخنرانان و حضار، طالبان را - «فرزندان نامشروع گلوبالیسم» و نماد ایستادگی خاور زمینیان در برابر گلوبالیسم فرهنگی خواندند. به باور آنان، این امریکایی ها بودند که طالبان را جهت بهره گیری ابزاری برای راهبردهای بلند پروازانه خود آفریدند. مگر، بعدها طالبان از کنترل آن ها بیرون گردید و در واقع «جن» از چراغ پرید آن هم در حالی که چراغ دیگر در دست گلوبالیست ها نبود و در دست های دیگری - مخالفان آن ها بود. یعنی حالا دیگر باید با همه نیرو برای به دام انداختن «جن» (تروریزم بین المللی) در سراسر جهان جنگید!

در یک سخن، امروز «هایپرگلوبالیست» های امریکایی که در اندیشه پهن ساختن سیطره امریکا بر سراسر جهان هستند، در منطقه در برابر «نئو طالبانیست» ها قرار گرفته اند که در پی پخش سیطره اسلام طراز وهابی بر سراسر جهان هستند.

یکی با شعار مبارزه در برابر تروریسم بین المللی و دیگری با شعار مبارزه با «شیطان بزرگ»!

فشرده سخن، نبرد ایدئولوژیک کنونی را که در جنگ تمام عیار در افغانستان به نمایش گذاشته شده است و کنون دیگر به پاکستان هم لغزیده است و در جنگ عراق و یمن هم تبارز یافته است، می توان رویارویی «هایپرگلوبالیسم» و «نئو طالبانیسم» در منطقه خواند که در حال جهانی شدن است.

فهرست اشتراک کنندگان با عنوان های سخنرانی ها و مقالات ارائه شده در همایش:

- 1- آقای توماس روتینگ- از شبکه تحلیل های افغانستان، (ساختار تشکیلاتی طالبان)
- 2- داکتر یوخین هیپلر- از انستیتوت علوم سیاسی دانشگاه دویس بورگ ایالت هسن، (طالبان در پاکستان)
- 3- آقای کاه اسپارتاک- از انشگاه ویست منیستر انگلستان، (جهانی شدن و تحول جنبش طالبان از یک جنبش بومی به یک جنبش منطقه یی و جهان شمول)
- 4- آقای فلوریان بروشک- از انستیتوت خاور شناسی و آسیا شناسی دانشگاه بن، (پایه های ایدئولوژیک طالبان)
- 5- آقای امین عظیمی- پژوهشگر آزاد از برلین، (روپاگند فریبنده طالبان)
- 6- آقای کارستن میشلس- از جامعه کاری سیاست بین المللی و امنیت کلن (اسلامگرایان رزجو در گستره قبایلی پاکستان)
- 7- آقای بوریس ویلکا- از بنیاد علم و سیاست برلین، (نظامیان پاکستان و طالبان)
- 8- داکتر کورنیلوس فریسن دروف- از «بنیاد صلح و تحقیقات منازعات» هسن، فرانکفورت (جنایات سازمان یافته و پلیس ملی افغانستان)
- 9- بانو داکتر جانت کورساوی- از جامعه مطالعات و تحقیقات هایدلبرگ (طالبان و اقتصاد مواد مخدر)

- 9- پروفیسور داکتر آلبرت استاهل- استاد پژوهشگرده علوم سیاسی دانشگاه زوریخ سویس، (مقایسه جنگ های گذشته پشتون ها با طالبان)
- 10- بانو داکتر الکا هوف- پژوهشگر آزاد از نویی وید (گفتگو با طالبان- دورنمای سیاسی)
- 11- آقای فیلیپ مونشن- از بنیاد علم و سیاست برلین، (تحلیل نیردهای طالبان از دیدگاه «بوندس ویر» (نیروهای مسلح آلمان)
- 12- آقای تیلمن شمالسرید- از «جامعه توده های محروم و زیر ستم» طالبان و منازعات منطقه یی در شمال)
- 13- آقای ماتیهاس هوفمن- پژوهشگر آزاد تاریخ از کریشن تلینسفورت، (طالبان- نماد نبردهای آزادیبخش افغان ها؟)
- 14- بانو داکتر چیتا ماس- از «بنیاد علم و سیاست برلین»، (طالبان و گفتمان «اکزیت استراتیژی» (راهبرد خروج)
- 15- پروفیسور داکتر کنراد شیتز- از مرکز پژوهش های توسعه دانشگاه بن، («سرزمین های بی دولت»- آینده جنگ در برابر ترور)
- 16- آقای داکتر عصمت- تحلیل گر آزاد، (آیا صلح و بهروزی در افغانستان ممکن است؟)
- 17- عزیز آریانفر- گرداننده کانون پژوهش ها و مطالعات افغانستان از فرانکفورت، (بازی با کارت طالبان و رهیافتی برای بحران افغانستان)
- 18- همچنان شماری از پژوهشگران و دانشجویان افغانی باشند آلمان در همایش حضور به هم رسانیده بودند.